



## استراتژی آموزش کار آفرینی: توسعه و اثر بخشی کار آفرینانه

ناهید رازقندی\* فوق لیسانس مدیریت آموزشی - دانشگاه تهران

دکتر کمال درانی

دانشیار دانشگاه تهران (دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی)

### چکیده:

با وارد شدن کار آفرینی در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی کار آفرینان و نیز دغدغه عقلانی کردن فرآیندهای پیشرفت و موفقیت، کسب مهارت‌های لازم افراد کار آفرین به طور جدی مد نظر قرار گرفت. با مشخص شدن آثار تحصیلات، آموزشها و کسب مهارت‌ها بر موفقیت کار آفرینی و رشد و توسعه سازمان‌ها، روند اجرای دوره‌های آموزشی از ابتدای دهه ۷۰ سریعتر گردید. بگونه‌ای که آموزش کار آفرینی جای خود را در دوره‌های مختلف تحصیلی دانشگاهی باز کرده است.

البته امروزه دیگر نمی‌توان از شیوه‌های سنتی که بر انطباق پذیری تأکید دارند استفاده کرد، بلکه باید از روش‌های نوین مبتنی بر زمینه‌های تفکر خلاق که بر مشارکت فعال فراگیران تأکید دارند استفاده نمود. زیرا هدف از آموزش کار آفرینی بالا بردن تمایل "کار آفرینانه" و نهایتاً تربیت افرادی مؤسس است که قادر باشند یک کسب و کار موفق را آغاز نمایند. پس آموزش‌های کار آفرینانه باید شامل مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی باشد که فرد بواسطه آن‌ها بتواند رفتارهای ویژه کار آفرینان را بوجود آورد و در غایت به توسعه و رشد اقتصادی منطقه‌ای بینجامد.

لذا، در این جستار تلاش می‌شود تا به ارکان هدف شناسی، محتوی سازی و روش شناسی مناسب آموزش کار آفرینی پرداخته و تبیین شود.



## مقدمه

در عصر کنونی، رشد روزافزون جمعیت، کمبود منابع وامکانات موجود و پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید چالش‌های بزرگی فرا روی کشورهای در حال توسعه می‌باشند، به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از این معضلات ریشه در رکود اقتصادی دارند. اما با نگاهی به روند توسعه در کشورهای توسعه یافته می‌توان دریافت که کارآفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبت، ابزاری کارآمد برای کاهش این چالشها بشمار رفته و مهمترین منبع رشد اقتصادی در آن کشورها محسوب می‌گردد، به طوری که می‌توان تأثیر کارآفرینی را در همه بخشها و سطوح آن جوامع احساس نمود. البته در این میان نباید نقش محوری کارآفرینان را به عنوان کلید طلایی توسعه نادیده گرفت. زیرا کارآفرینان با تبدیل رویاها و ایده‌های خلاقانه خود به حقیقت منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تربیتی و خدماتی شده‌اند.

بنابراین یک ضرورت جدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی است و با در نظر گرفتن نقش فرهنگی برای کارآفرینی می‌توان ابراز نمود که کارآفرینی تحت تأثیر اقدامات آموزشی است، زیرا آموزش یک نیاز کلیدی برای توسعه و پیشرفت و عنصری ضروری در پرورش رفتار کارآفرینانه بشمار می‌رود. اما آموزشی اثربخش خواهد بود که افراد را قادر به شناخت و تحلیل تهدیدها و استفاده بهینه از فرصت‌ها نماید و این میسر نخواهد بود مگر با هدف‌شناسی، محتواسازی و دیداکتیک<sup>۱</sup> صحیح کارآفرینی.

## سابقه آموزش کارآفرینی

تأسیس و راه‌اندازی دوره‌های آموزش کارآفرینی از یک سابقه چهل ساله برخوردار است. دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شاهد رشد پیش‌بینی نشده تقاضا برای آموزش کارآفرینی بودند که این امر به موازات رشد تعداد دوره‌های ارائه شده توسط مؤسسات دانشگاهی و دیگر نهادهای فعال در این حوزه بود. شاید بتوان این امر را نتیجه مجموعه‌ای متنوع از تغییرات بهم وابسته در اقتصادهای ملی و بین‌المللی دانست.

از ابتدای ۱۹۸۰، برای آموزش کارآفرینی روشهای خاصی که مناسب یک رشته جدید تحقیقاتی است، آغاز شد. طی این مدت، بیشتر در زمینه تأثیر آموزش کارآفرینی در تشکیل شرکتهای نوپا و جدید، ارزش

۱- دیداکتیک: فرآیند یاددهی - یادگیری مبتنی بر محتوی را گویند (ر.ک. دووله، ۱۹۹۵، ص ۱۵).



افزوده ناشی از ارائه برنامه آموزشی در دانشگاهها، و مزایای استفاده از این روشها در ساختار فعلی و همچنین در واحدهای آموزش کارآفرینی مطالعات و تحقیقاتی صورت گرفته است (سکستون و بومان<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴). در سال ۱۹۹۰ تحقیق در خصوص آموزش کارآفرینی همچون یک رشته جدید مورد توجه قرار گرفت و توسعه‌ی روشهای تحقیقی برای سنجش اثر بخشی آموزش کارآفرینی، محتوا سازی و دیداکتیک کارآفرینی، پیدایی و توسعه یک چارچوب علمی مشترک در زمینه کارآفرینی، اثر بخشی شیوه‌های آموزشی و نیازهای آموزشی کارآفرینان مورد توجه قرار گرفت (داریانی، ۱۳۸۱).

به طور کلی امروزه چهار رویکرد اصلی از دوره‌های آموزش کارآفرینی شکل گرفته:

۱) این برنامه‌ها برای آگاهی و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی می‌باشد. هدف از این دوره‌ها، افزایش آگاهی، درک و بینش نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی برای افراد از تمامی اقشار جامعه می‌باشد. این برنامه‌ها مقاطع تحصیلی مختلف و گروه‌های گوناگون را در بر می‌گیرد.

۲) شامل برنامه‌های آموزشی می‌باشد که توسعه تأسیس شرکتها را پوشش می‌دهد. این برنامه‌ها به اقتضای شرایط خاص هر کشور طراحی شده‌اند.

۳) جهت رشد و بقای کارآفرینان و شرکتهای کوچک طراحی شده‌اند که شرکتهای کوچک موجود را پوشش می‌دهند.

۴) توسعه آموزش کارآفرینی است، که شامل شیوه‌های جدید آموزشی و تعیین نقش‌های نوین دانشجو و استاد در فرایند آموزش کارآفرینی می‌باشد. هدف دیگر این برنامه‌ها آموزش و گسترش کمی اساتید جدید از میان صنعتگران و دست‌اندرکاران فعالیتهای اقتصادی برای آموزش کارآفرینی می‌باشد (شاه حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳-۱۲۲).

## ضرورت آموزش کارآفرینی

آموزش شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که فرصت‌های یادگیری را برای افراد فراهم کرده، تا آنها بتوانند مهارت‌های مربوط به شغل خود را کسب کرده و بهبود ببخشند (شرمرهورن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

<sup>۱</sup> - Sexton & Boman

<sup>۲</sup> - Schermerhorn



و آموزش کارآفرینی تبادل رسمی و نظام مند اطلاعات و دانش کارآفرینی است (جک و اندرسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

آموزش مرسوم کسب و کار به عنوان توسعه بنیادی و البته نظری و مفهومی، درک افراد از کسب و کار را افزایش داده و باعث ایجاد یک آگاهی و تجربه ی مهم می شود که اهمیت بسیاری در قبال اطلاعات و دانش افراد دارد. لذا تصویر در حال ظهور آموزش کارآفرینی، یکی از ابعاد دانش آکادمیک است که هم نظری و هم تحلیلی می باشد (جک و اندرسون، ۱۹۹۹).

پیتر من و کندی<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) معتقدند که برنامه های آموزش کار آفرینی به طور قابل ملاحظه ای تمایل کارآفرینانه ی فراگیران را تغییر می دهد (راسموسن و سورهم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵)، به گونه ای که احتمال خود اشتغالی افرادی که بهتر آموزش دیده اند بیشتر از سایر افراد می باشد، این ایده با مدل لوکاس<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) مبنی بر اینکه سرمایه انسانی توانایی مدیریت فردی را افزایش داده، از اینرو سبب بالا رفتن خود اشتغالی می شود، سازگار است (کیم<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶).

در مورد اهمیت آموزش در قبال نتایج رفتارها می توان پذیرفت که آموزش کارآفرینی یک فاکتور ضروری در پرورش رفتار کارآفرینانه است به طوریکه در بر گیرنده نوآوری، خلاقیت، انعطاف پذیری، توانایی پاسخ دادن به موقعیت های مختلف، استقلال و ابراز وجود است. در واقع آموزش کارآفرینی مهمترین تلاشی است که بستر لازم را برای فراگیری دانش و مهارت فراهم می کند.

هر چند که آموزش کارآفرینی ابزاری با ارزش برای افزایش مهارتهای مدیریتی محسوب می گردد، هسته اصلی فرایند کارآفرینی یادگیری مؤثر است، کارآفرینان مؤثر یادگیرندگان استثنایی هم هستند. آنها از هر چیزی یاد می گیرند، از مصرف کنندگان، رقبا، همکاران، کارکنان و دیگر کارآفرینان یاد می گیرند، آنها از تجربیات درس می گیرند، به وسیله عمل، از آنچه انجام می دهند و یا مهم تر از آن، از آنچه انجام نمی دهند یاد می گیرند (رایموند<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). در واقع یادگیری کارآفرینانه فرایند مستمری است که ایجاد دانش ضروری برای مؤثر بودن در شروع و مدیریت کسب و کارهای مخاطره آمیز را تسهیل می بخشد (پولیتس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵).

<sup>۱</sup> - Jac & Anderson

<sup>۲</sup> - Peterman & Kennedy

<sup>۳</sup> - Rasmussen & Sorheim

<sup>۴</sup> - Lucas

<sup>۵</sup> - Kim

<sup>۶</sup> - Raymond

<sup>۷</sup> - Polits



بنابراین دیداکتیک کارآفرینی اصلی اساسی در ارتباط با شروع یا تأسیس یک کسب و کار محسوب می‌گردند که با انتقال دانش و اکتساب آن و همچنین توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینانه سبب افزایش کارآفرینی و اثر بخشی کارآفرینان بالقوه می‌شود.

### هدف شناسی کارآفرینی

شکی نیست که آموزش کارآفرینی در پی ایجاد دانش و مهارت در افراد است تا از این طریق احتمال موفقیت کارآفرینانه آنها را افزایش دهد. از آنجا که این موفقیت وابسته به محیط است، دانش و مهارت‌های مربوط به آن نیز باید آموخته شود (کارایانیس، ایوانس و هانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

هر چند که اصطلاح آموزش کارآفرینی را می‌توان به دو صورت معنا کرد: یادگیری کارآفرینی بعنوان یک پدیده، یا یادگیری مهارت‌های مفید به منظور کارآفرین شدن (راسموسن و سورهم، ۲۰۰۵)، ولی در هر صورت آموزش کارآفرینی باید باعث فراهم نمودن یک درک وسیع در زمینه کارآفرینی شود، افراد را با ابزارهای مهم و مهارت‌های لازم برای خلق و رشد یک کسب و کار موفق آشنا نماید و سبب تحریک فعالیت‌های واقعی کارآفرینان در مرحله شروع کسب و کار جدید شود (هیسریچ و پیترسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

به اعتقاد کوگر و برازیل<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) آموزش کارآفرینی باید قابلیت کسب شده جهت کارآفرینی را از طریق افزایش آگاهی فراگیران بهبود بخشد و سبب افزایش اعتماد به نفس و خود اشتغالی شود. همچنین با توجه به اینکه کارآفرینی یک فعالیت قابل قبول اجتماعی و یک کار ارزشمند شخصی می‌باشد می‌بایست تمایل به کارآفرینی را در فراگیران افزایش دهد (سوتاریز، زربیناتی و آل لاهام<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

به اعتقاد دیر<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) هدف دوره‌های ویژه کارآفرینی، یا آموزش چگونگی شروع کسب و کار فراهم نمودن اطمینان برای افرادی که قصد شروع کار را دارند می‌باشد (سوتاریز، زربیناتی و آل لاهام، ۲۰۰۶). البته باید در نظر داشت همه کسانی که در دوره‌های کارآفرینی شرکت می‌کنند، تمایل ندارند که به کارآفرین تبدیل شوند: برخی خواهان آن هستند که از طریق یادگیری کارآفرینی، سطح فکری و اطلاعاتی خود را افزایش دهند؛ دیگران نیز از نیاز جامعه به کارآفرینی مطلع هستند و در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند تا به درک

<sup>۱</sup> - Carayannis , Evans & Hanson

<sup>۲</sup> - Hisrich & Peterson

<sup>۳</sup> - Krueger and Brazeal

<sup>۴</sup> -Souitaris , Zerbinati & Al-Laham

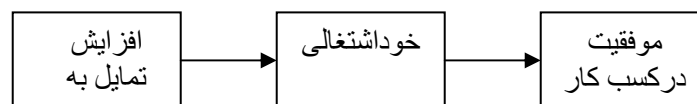
<sup>۵</sup> - Dyer



بالا تری در خصوص کارآفرینی دست یابند. بنابراین، فرایند و ساختار کارآفرینانه نیز اهمیت زیادی دارند. مثلاً ممکن است انتظار داشته باشیم که فرایند یادگیری کارآفرینی از طریق کاربرد مدلها و الگوها، توسعه و تقویت شبکه های فردی و نیز از طریق ارزیابی مقطعی تقویت شود. لیکن امنیت اقتصادی، هم برای کارفرمایان و هم برای کارکنان، به طور فزایندهای وابسته به مهارتها، عقاید و تواناییهای یادگیری و انطباق با شرایط محیطی دائماً در حال تغییر است. (جک واندرسون، ۱۹۹۹).

به طور کلی مهمترین اهداف دیداکتیک کارآفرینی را می توان به صورت ذیل بیان نمود:

- دستیابی به دانش لازم در خصوص کارآفرینی
  - دستیابی به مهارتهای لازم برای استفاده از تکنیک ها، تجزیه و تحلیل موقعیت های کسب و کار و مشارکت در دیگر طرح های کارآفرینی
  - شناسایی و تهییج انگیزه، استعداد و مهارتهای کارآفرینی
  - آسیب شناسی تکنیک های تجزیه و تحلیل
  - پشتیبانی و حمایت از فعالیت های کارآفرینانه
  - هدایت نگرشها به سمت تغییرات و تحولات
  - ترغیب و تشویق شرکتهای تازه تأسیس و دیگر فعالیتهای کارآفرینانه (گراوان و اوسیناید<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴).
- به طور کلی هدف از دیداکتیک کارآفرینی را می توان به صورت ذیل نشان داد:



## محتوا سازی کارآفرینی

دانش کارآفرینی شامل مفاهیم و مهارتهایی است که برای یک کسب و کار موفق نقشی حیاتی داشته و سبب حفظ سلامت اقتصاد ملی می شود. جانسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) در زمینه تهیه محتوای آموزش کارآفرینی یک طبق بندی مفهومی را با پنج سطح ارائه می دهد: کارآفرینان بر مبنای چه ارزشها و انگیزه ای عمل می کنند، چه دانشی نیاز

<sup>۱</sup> - Garavan & Oacinneide

<sup>۲</sup> - Johannisson



دارند، تواناییها و مهارتهای لازم کدام هستند، چه مهارتهای اجتماعی و شبکه‌هایی باید شناخته شود، و نهایتاً بر مبنای چه بینش و تجربه‌ای باید اقدام نمود (سوتاریز، زربیناتی و آل لاهام، ۲۰۰۶).

برای تهیه چنین محتوای باید فرصتها شناسایی شوند، استراتژیها توسعه یابند، منابع کشف شوند و به عنوان قسمت اصلی برنامه بکار روند (ای. کدان و ای. راسا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

به طور خلاصه سه عامل اساسی آموزش افراد کارآفرین با ویژگی‌های خلاق، نوآور، انعطاف‌پذیر، ماهر و متخصص و کسی که بتواند از شرایط ابهام و موقعیت‌های پیش‌بینی نشده به بهترین وجه استفاده نموده و تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل نماید به شرح زیر می‌باشد:

۱- دانش کاربردی: دانشی که شخص بتواند مهارت‌های لازم برای یک شغل را بدست آورد

۲- توانایی کارآفرینانه (کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری)

۳- مهارتهای کسب و کار (مدیریت - اینترنت - بازرگانی - مالی و زبان و چگونگی تاسیس شرکت) (داریانی، ۱۳۸۱).

بچهارد و تولوز<sup>۲</sup> نیز دانش کارآفرینی را در سه موضوع آگاهی و موقعیت‌شناسی، خلق چالش جدید و مدیریت مخاطرات، بقا و رشد جمع‌بندی می‌کنند (ابراهیم و سوفانی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

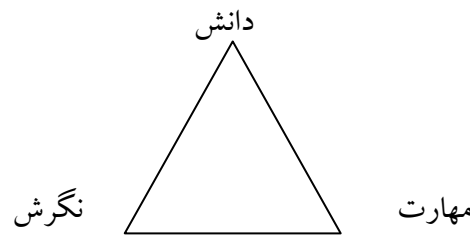
البته سطوح آموزش در کشورهای مختلف با وضعیت اقتصادی آنها کاملاً مرتبط است و یک عامل علی‌معنی دار در رشد می‌باشد (یونسکو/۲۰۰۲ و بانک جهانی، ۲۰۰۲ به نقل از کاشیک، کاشیک و کاشیک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). اما آنچه که باید در نظر گرفته شود این است که محتوای آموزش کارآفرینی در هر سطح و جامعه‌ای باید از حیثه‌های دانشی صرف‌پا فراتر نهاده و در حیثه بینشی و توانشی وارد شود بگونه‌ای که سبب سوق فرد در جهت فعالیتهای کارآفرینانه و خلاق شود. سه موضوع مهم در این زمینه توجه به کم و کیف دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها است که سه راس هرم محتوایی آموزش کارآفرینی را تشکیل می‌دهند:

<sup>۱</sup> - E.Okudan & E.Rzasa

<sup>۲</sup> - Bechar & Toulouse

<sup>۳</sup> - Ibrahim & Soufani

<sup>۴</sup> - Kaushik



### دیداکتیک کار آفرینی

در شیوه‌های سنتی آموزش از آنجا که بر انطباق‌پذیری و سازگار بودن تأکید می‌شود، خلاقیت و شیوه‌های جدید حل مسئله نه تنها آموزش داده نمی‌شود بلکه باعث از بین رفتن گرایش کارآفرینانه در فراگیران نیز می‌گردد. لذا به کارگیری روش‌های آموزش نوین و مبتنی بر افزایش زمینه‌های تفکر خلاق از ضروریات یک نظام آموزشی است. در این راستا آنچه که باید بدان توجه نمود این است که آموزش و یادگیری کارآفرینی باید هم نظری و هم عملی باشد. در بعد نظری باید دانش تئوری کافی را در اختیار فراگیران قرارداد تا تجربه یادگیری عملی آنها تسهیل شود، در واقع کارآفرینان با بدست آوردن یک پیشینه نظری کلیت جهان واقعی کسب و کار و دلایل موفقیت سایر کارآفرینان را شناخته و با تجربه کردن و تلاش برای حل یک مساله توانایی یادگیری کارآفرینانه را بدست می‌آورند.

بعد عملی به طور فزاینده‌ای بر مشارکت فعال فراگیران طی فرایند یاددهی-یادگیری اشاره دارد. زیرا مشارکت فراگیران سبب یادگیری بهتر آنها می‌شود (اریکسون و گیلان، ۲۰۰۳ و جانسون و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱)، و نهایتاً آنها را برای شروع کسب و کار آماده می‌نماید. بعلاوه هر چه میزان مشارکت فراگیران بیشتر باشد، امکان خلق فرصت یا اندیشه کسب و کار نیز بیشتر خواهد بود (شاین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

به عنوان مثال فراگیران می‌توانند روی پروژه‌هایی که هیچ‌توان تجاری ندارند، تا پروژه‌های تجاری واقعی با توان محدود (حیطه محلی)، و نهایتاً ایده‌های تجاری جهانی با توان بالا کار کنند (راسموسن و سورهم، ۲۰۰۵). این امر سبب می‌شود تا آنها با خطرات و ابهامات موقعیت‌های ساختار نیافته مواجه شوند و یاد بگیرند که چگونه به این اتفاقات واکنش مناسب نشان داده و چگونه از مشکلات پیش روی خود درس بگیرند.

<sup>۱</sup> -Erikson and Gjellan, Johannisson et. al.

<sup>۲</sup> -Shane



لوکانن<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) استراتژی ایجاد کسب و کار را در آموزش کارآفرینی مطرح می نماید. این استراتژی آموزش ویژه ای را در تنظیم یک کسب و کار ارائه می دهد، بطوریکه ایجاد یک کسب و کار واقعی قسمتی از آموزش محسوب می شود (راسموسن و سورهمیم، ۲۰۰۵).

آموزش کارآفرینی یک فرایند استراتژیک است و مانند هر فرایند استراتژیک دیگر باید به چهار منبع توجه نماید:

۱) دکترین: دکترین به معنای داشتن یک مرام است که در فرایند استراتژی آموزشی باید معتقد به اصالت عمل بود.

۲) تکنیک: یعنی داشتن نوعی فناوری و مهارت عملی خاص؛ و تنها تکنیکی که باید از آن استفاده نمود مدیریت است.

۳) علم: استفاده از قالب های علمی بگونه ای که در فرد توانایی اکتشاف کردن را ایجاد نماید.

۴) تئوری: به مفهوم استفاده بهینه از امکانات موجود برای رسیدن به هدف می باشد و بهترین تئوری سازماندهی است.

رایموند (۲۰۰۳) روشهای یادگیری از کارآفرینان، یادگیری از تیمها، کارگاههای نیمه روزه و یک روزه، مطالعه موردی و آموزش چند هفته ای را برای آموزش کارآفرینان پیشنهاد می کند.

پوستیگو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز روشهای ذیل را برای تدریس و آموزش کارآفرینی ارائه می دهد:

خواندن کتاب، سخنرانی، بحث و گفتگو، تماشای فیلمهایی درباره کارآفرینان، کار عملی، نوشتن طرح کسب و کار، شبیه سازی کامپیوتری، مطالعه موردی، بازدید از مراکز فعالیت کارآفرینان، ایفای نقش، کار با کارآفرینان، انجام پایان نامه و رساله، اردوهای دانشجویی، کارگاه آموزشی، خدمات مشاوره ای برای دانشجویان و تحقیقات.

اما آنچه باید بدان توجه نمود این است که آموزش با منابع موجود در زمینه کسب و کار و فراتر از آن مرتبط باشد، روشهایی اتخاذ شود که فراگیران بتوانند به طرق جدیدی از عهده موضوعات موجود در جهان واقعی برآیند و برای کارآمدی مؤثرتر، خود کارآفرینان نیز همانند سایر یادگیرندگان از سبکهای مختلف و فعال یادگیری استفاده نمایند و تنها بر مشاهده صرف اکتفا نمایند.

<sup>۱</sup> -Laukkanen

<sup>۲</sup> - Postigo



در همین راستا ترولز اریکسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) هشت نوع یادگیری کارآفرینان را که مبتنی بر کاربرد تجربه می باشد مطرح میکند که باید مورد توجه محققان و سیستمهای آموزشی و کارآفرینان قرار گیرد:

انواع تجربیات یادگیری	بی تجربه	تجربه	مشاهده صرف	تجربه عملی صرف	معاشرت اجتماعی	آدم گوشه گیر	مشاهده گر اجتماعی	کارورز اجتماعی	با تجربه کامل
تجربه اجتماعی	خیر	خیر	خیر	خیر	بله	خیر	بله	بله	بله
تجربه شخصی	خیر	خیر	خیر	بله	خیر	بله	خیر	بله	بله
تجربه دیگران	خیر	بله	بله	خیر	خیر	بله	بله	خیر	بله

(مقیمی، ۱۳۸۴)

### ارزیابی آموزش کارآفرینی

از آنجا که در هر آموزشی برای تعیین اثر بخش بودن و یا عدم اثر بخشی آن می بایست ارزیابیهای صورت پذیرد، آموزش کارآفرینی را نیز می توان با توجه به هدف، محتوا و روش آموزش در سطوح زیر ارزیابی نمود:

سطح اول

- آشنایی با مقولات کارآفرینی

-علاقه به کارآفرینی

- کسب مهارتهای کارآفرینی

- توانایی نوشتن طرح تجاری

سطح دوم

- خودآگاهی از یادگیری و توانایی

<sup>۱</sup> - Erikson



- دانش بدست آمده و تلفیق آن با کارآفرینی
- تمایل به داشتن فعالیت و خلاقیت
- سطح سوم
- موقعیت های کارآفرین آتی
- موقعیت های کارآفرینی بدست آمده
- زیر بنای اکتسابات
- تعداد و انواع شرکتهای نوپا
- تغییر اعتبار و سطح خلاقیت شرکتهای تازه تأسیس
- بقا و اعتبار شرکتهای جدید و نوپا
- سطح چهارم
- خود بازیابی شغلی و موفقیت روانی
- رضایت شغلی
- عملکرد شرکت
- کمک به جامعه و اقتصاد آن (سکستون وبومان، ترجمه سعدی کیا، ۱۳۸۲).

### مشکلات آموزش کارآفرینی

علا رغم اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی، این زمینه هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد و چارچوب مشترک یا توافقی برای چگونگی آموزش کارآفرینان وجود ندارد. کارآفرینی نیازمند آموزش حرفه ای در ارتباط با زمینه های دیگر تجارت مانند مدیریت، بازاریابی، یا سرمایه گذاری می باشد (راسموسن و سورهم، ۲۰۰۵). در واقع بزرگترین چالش کارآفرینی در ارتباط با آموزش و یادگیری آن، عدم وجود دوره ها و برنامه های مناسب آموزشی برای یادگیری در جهان خارج است. زیرا بازمی بینی برنامه ها (گرم و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷) و دوره های آموزش کارآفرینی (فیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) نشان داده که هماهنگی کم و تنوع قابل

<sup>۱</sup> - Gorman et al.

<sup>۲</sup> - Fiet



توجهی در خصوص اهداف، فلسفه، مضمون، فن آموزش و نتایج در این زمینه وجود دارد (راسموسن و سورهم، ۲۰۰۵).

سکستون و بومان (۱۹۸۴)، هیلز<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، مک مولان و لانگ<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) و وسپر<sup>۳</sup> (۱۹۸۲)، اظهار کرده اند که در زمینه آموزشهای کارآفرینی فقدان در تئوریها و الگوهای موجود وجود دارد. علت این نقصان نبود یک چارچوب تحقیقی خوب و عدم توسعه دانش در این زمینه می باشد. با این حال از ادبیات مربوط به آموزش کارآفرینی بعضی بینش ها جهت شکل دهی آموزش کارآفرینی قابل استنباط و استفاده می باشد. برای مثال (۱) عامل اجتماعی شدن مؤثر (۲) تصمیم گیری با اطلاعات ناکافی (۳) سبک یادگیری (۴) پذیرش اینکه رفتار کارآفرینانه مؤلفه مهمی برای بررسی، جهت توسعه برنامه کارآفرینی می باشد (ای. کدان و ای. راسا، ۲۰۰۴).

### نتیجه گیری

آنچه مسلم است این است که کارآفرینان لزوماً کارآفرین متولد نمی شوند، کارآفرینی را باید از طریق فعالیتهای مدون و مناسب آموزش داد. از آنجا که آموزش و یادگیری جزء فرایندهای استراتژیکی است و استراتژیک بر پایه هدف شکل می گیرد، هدف از دیداکتیک کارآفرینی افزایش تمایل به کارآفرینی و نهایتاً خوداشتغالی و شروع یک کسب و کار موفق می باشد. برای موفق شدن در این مسیر لازم است به دو منطق محتوا سازی و روش گزینی نیز توجه جدی مبذول شود. در محتواسازی باید به سه قالب اساسی دانش، مهارت و نگرش توجه نمود و از آنجا که غایت یادگیری و آموزش تفکر است در روش گزینی باید حتی الامکان از روشهای فعال مبتنی بر تفکر خلاق استفاده کرد زیرا خلاقیت یکی از پایه های اساسی کارآفرینی می باشد.

---

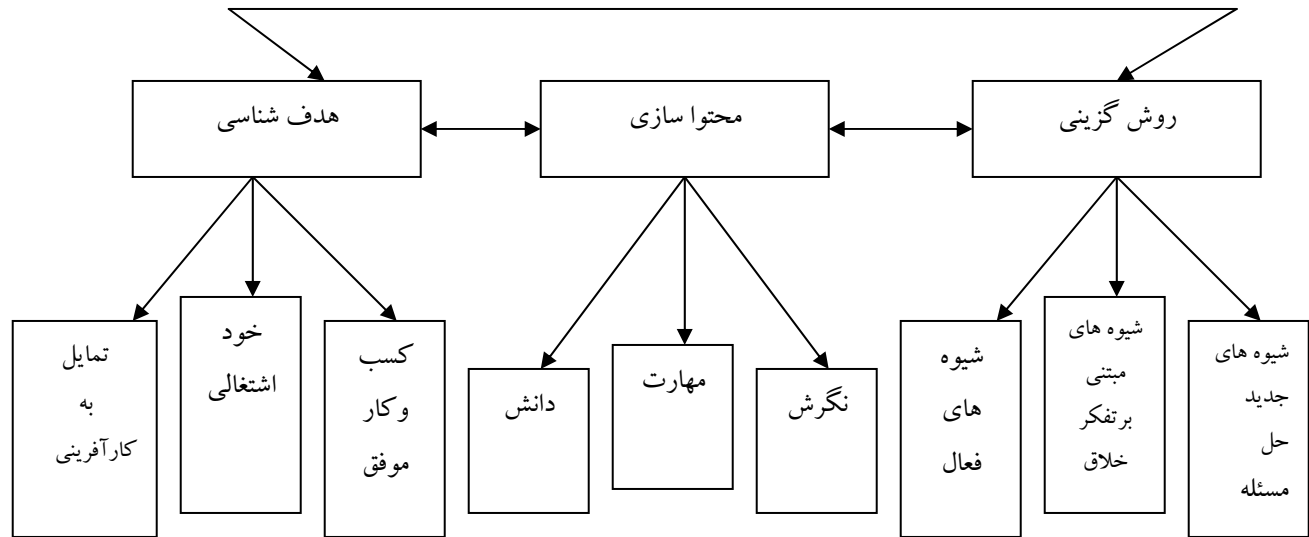
۱ - Hills

۲ - McMullan and Long

۳ - Vesper



به طور کلی نگرش سیستمی به دیداکتیک کارآفرینی شامل اجزاء ذیل می باشد:



### منابع لاتین:

۱. EVELAY.M(۱۹۹۵),SAVOIRS SCOLIS ET DIDACTIQUES DES DISCIPLINES E.S.F PARIS.
۲. Schermerhorn , Johan . R (۲۰۰۲) , Management.
۳. Sarah L.Jack,Alistair R.anderson(۱۹۹۹),Entre preneurship education within the enter prise culture producing reflective practitioners.
۴. Einar A. Rasmussen , Roger Sorheim(۲۰۰۵),Action-based entrepreneurship education.
۵. Giseung Kim(۲۰۰۶),The analysis of self-employment levels over the life-cycle.
۶. Raymond , W .S (۲۰۰۳), The learning need of high potential entrepreneur in latin American.
۷. Polits Diamanto (۲۰۰۵) , The process of entrepreneurial learning : a conceptual framework .
۸. Elisa G.Carayannis,Dan Evans & Mike Hanson(۲۰۰۲),A cross-cultural learning strategy for entrepreneurship education:outline of key concepts and lessons learned from a comparative study of entrepreneurship students in france and the US.



۹. Hisrich, J. Peterson, M (۲۰۰۲), Integrated entrepreneurship education in Botswana, Uganda and Kenya.
۱۰. Vangelis Souitaris, Stefania Zerbinati & Andreas Al-Laham (۲۰۰۶), Do entrepreneurship programmes raise entrepreneurial intention of science and engineering students? The effect of learning, inspiration resources.
۱۱. Gul E. Okudan, Sarah E. Rzasa (۲۰۰۴), A project-based approach to entrepreneurial leadership education.
۱۲. A. B. Ibrahim, K. Soufani (۲۰۰۲), Entrepreneurship education and training in Canada: a critical assessment, **Education+Training**.
۱۳. Surendra K. Kaushik, Shorav Kaushik & Shobha Kaushik (۲۰۰۶), How higher education in rural India helps human rights and entrepreneurship.
۱۴. S. Shane (۲۰۰۳), *A General Theory of Entrepreneurship: The Individual-Opportunity Nexus*, Edward Elgar, Cheltenham, UK (۲۰۰۳).

#### منابع فارسی:

- ۱- کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها/ تألیف محمود احمدپور داریانی. تهران: شرکت پردیس ۵۷.
- ۲- کارآفرینی/ تألیف علی شاه حسینی. تهران: آبیژ، ۱۳۸۳.
- ۳- ترجمان کارآفرینی/ فصلنامه تخصصی مرکز کارآفرینی پردیس قم دانشگاه تهران/ شماره دوم/ تابستان ۱۳۸۴.
- ۴- کارآفرینی در سازمانهای دولتی/ تألیف محمد مقیم. تهران: فراندیش، ۱۳۸۴. - آشنایی با کارآفرینی/ مهدی سعیدی کیا. تهران: سپاس، ۱۳۸۲.